

۳ شنبه ۱۸/۳/۱۴۰۵-۲۳ ذیحجه ۱۴۴۷-۹ ژوئن ۲۰۲۶- درس ۱۵۸ فقه الروابط از فقه مدیریت رفتار سازمانی از فقه اداره از فقه معاصر- نقشه راه امام صادق ع در مصباح الشریعه - روابط اربعه - رابطه رابعه - معامله الدنيا - اصول سبعة - اصل سوم - تَرْكُ طَلْبِ الْمَفْقُودِ ۷- فقه الحديث ۳

❖ مسئله‌ی ۱۵۸: کارکنان باید کمال‌گرا باشند در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و تاب‌آوری در بحران‌ها، ولی بدانند که دنیا ظرفیت کمالات را ندارد و باید چشم‌انداز تحصیل کمال را در آخرت قرار داد

به اصل سوم از اصول هفت‌گانه‌ی رابطه‌ی چهارم از روابط چهارگانه‌ی سازمانی رسیدیم به عنوان «ترك طلب المفقود».^۱ بعد از فقه اللغة به فقه القرآن رسیدیم و اکنون ادامه‌ی فقه الحديث و فرمایشی از مدیر عالی اسلامی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

الْكَمَالُ فِي الدُّنْيَا مَفْقُودٌ.^۲

درایة الحديث: کمال در دنیا مفقود است؛ یعنی در آخرت موجود است به مفهوم مخالف. چرا؟ چون در آخرت همه چیز در اوج است، «مَا شَتَّهِهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ»،^۳ «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى».^۴ دنیا به معنای پست، پایین و دون است؛ مثل آسمان دنیا که پایین‌ترین آسمان است، لقلوله تعالی: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ».^۵ کمال با دون نمی‌سازد، با دنیا هم نمی‌سازد. کمال در آخرت است؛ سدره المنتهی^۶ در آخرت است یا در ملکوت معراج پیامبر صلی الله علیه و آله است. به هر حال ظرف کمال در غیر دنیا است. لذا مدیران و کارکنان نباید در دنیا دنبال کمال باشند که با ترك طلب المفقود هماهنگ است. یعنی دنبال کمال مفقود در این دنیا نباش. البته امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «الکمال کل الکمال التفقه فی الدین و التقدير فی المعيشة و الصبر علی النایبة».^۷ آیا در تعارض با فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام است که کمال در

^۱ الباب الأول فی العبودیة و أصول معاملة النفس سبعة الخوف و الجهد و حمل الأذى و الرياضة و طلب الصدق و الإخلاص و إخراجها من محبوتها و ربطها فی الفقر و أصول معاملة الخلق سبعة الحلم و العفو و التواضع و السخاء و الشفقة و النصح و العدل و الإنصاف و أصول معاملة الدنيا سبعة الرضا بالدون و الإبتئار بالموجود و ترك طلب المفقود و بعض الكثرة و احتیاء الزهد و معرفة آفاتها و رفض شهواتها مع رفض الرئاسة فإذا حصلت هذه الحاصل فی نفس واحدة فهو من خاصة الله و عباده المقربين و أولیائیه حقاً. (امام جعفر بن محمد علیه السلام، مصباح الشریعة، ص. ۶)

^۲ آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص. ۲۹؛ الليثی، عیون الحکم و المواعظ، ص. ۱۷.

^۳ یطاف علمهم بصحاف من ذهب و أکواب و فیها ما شتتهیه الأنفس و تلذذ الأعین و أنتم فیها خالدون. (الزخرف: ۷۱)

^۴ بل تؤثرون الحیة الدنیا و الآخرة خیر و أبقی. (الأعلى: ۱۶-۱۷)

^۵ إنا أنما برئنا لنعفیر لنا خطایانا و ما أکرهتنا علیه من السحر و الله خیر و أبقی. (طه: ۷۳)

^۶ و لقد زیننا السماء الدنیا بمصابیح و جعلناها زجوماً للشیاطین و أخذنا لهم عذاب السعیر. (الملک: ۵)

^۷ عند سدره المنتهی عند حاجنة المأوی إذ یغشی السدرة ما یغشی «السدر شجر معروف و التاء للوحدة و المنتهی - كانه - اسم مکان و لعل المراد به منتهی السماوات بدلیل كون الجنة عندها و الجنة فی السماء، قال تعالی: «و فی السماء رزقکم و ما توعدون» (الذاریات: ۲۲). و لا یوجد فی كلامه تعالی ما یفسر هذه الشجرة، و كان البناء علی الإهام كما یؤیده قوله بعد: «إذ یغشی السدرة ما یغشی، و قد فسر فی الروایات ایضاً بأنها شجرة فوق السماء السابعة إليها تنتهی أعمال بنی آدم و ستمر ببعض هذه الروایات. و قوله: «عند حاجنة المأوی» أي الجنة التي یاوی إليها المؤمنون و هي جنة الآخرة فإن جنة البرزخ جنة معجلة محدودة بالبعث، قال تعالی: «فلهم جنات المأوی نزلًا بما كانوا یعملون» (السجدة: ۱۹)، و قوله: «فإذا جاءت الطامة الكبرى» إلى أن قال - فإن الجنة هی المأوی (النازعات: ۴۱) و هي فی السماء علی ما یدل علیه قوله تعالی: «و فی

السماء رزقکم و ما توعدون» (الذاریات: ۲۲) و قیل: المراد بها جنة البرزخ. (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج. ۱۹، ص. ۳۲)

^۸ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ: الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّايِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ. (كلینی، الكافي (ط الإسلامية)، ج. ۱، ص. ۳۲) مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمْرٍو عَنْ رَبِيعِ بْنِ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ فِي ثَلَاثَةٍ وَ ذَكَرَ فِي الثَّلَاثَةِ التَّقْدِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ. (همان، ج. ۵، ص. ۸۷) قد مر الحديث فی المجلد الأول من الكتاب ص ۳۲ عن محمد بن إسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن حماد بن عیسی، عن ربیع، عن رجل، عن ابی جعفر هكذا «قال الکمال کل الکمال: التفقه فی الدین و الصبر علی النایبة و تقدير المعيشة» انتهى و يأتي نظيره تحت

دنیا را مفقود می‌داند، ولی در فرمایش امام باقر علیه السلام نه تنها کمال بلکه کل الکمال را در سه امر دنیوی، فقه معیشت و مقاومت که کمالات علمی، اقتصادی و سیاسی هستند بیان می‌کند. جمع به این است تبرعاً که اولاً اینها مقدمات و وسائل به کمالات است؛ زیرا تفقه و تقدیر معیشت و صبر بر نوائب و مصائب حد یقف ندارند، ولی به کمال می‌رسانند که لزوماً این کمالات در دنیا حاصل نمی‌شوند؛ یعنی این فرمایش ناظر به ظرف دنیوی یا اخروی این کمالات ثلاثه نیست. اصلی‌ترین و کامل‌ترین نتایج اینها در غیردنیا است. ولی به اعتبار نتیجه اینها کمال‌زا هستند؛ منتهی به کمال هستند، بدون اینها نمی‌توان به کمال رسید، ولی ظرف مال دنیا نیست. در حقیقت می‌تواند جمع عرفی باشد یعنی الکمال کل الکمال التفقه فی الدین و... فی الاخره لان الکمال فی الدنیا مفقود. یعنی از مقوله‌ی اطلاق و تقیید، اینها کمال هستند در غیردنیا، یعنی در آخرت. این می‌شود جمع عرفی. بیان قبلی جمع تبرعی بود؛ هرچند در یک دقت همان هم جمع عرفی بود، یعنی مطلق و مقید، فافهم و تدبّر.

نتیجه‌ی مدیریتی: مدیران در سه عرصه‌ی فقهی، اقتصادی و تاب‌آوری در بحران‌ها اگر به اوج برسند و قله را بخواهند، باید تلاش خود را بکنند؛ زیرا عقل نیل به کمال را تحسین و الزام می‌کند، مخصوصاً در مدیریت و سازمان که بهبود مستمر، یک الزام است، و الا صحنه‌گذاری بر انحطاط و عدم پیشرفت است. ولی این را باید بدانند که دنیا ظرف کمال نیست. باید چشم‌انداز را فراتر از دنیا قرار دهند و کار مدیریتی در هر عرصه‌ی سه‌گانه تداوم دارد و نتایج عمل‌کرد و فعل سازمانی در آخرت دیده و چیده خواهد شد. در حقیقت فقدان کمال در دنیا عامل بالابردن هم‌ها در سازمان است؛ کمال هر چیز را نباید توقع از دنیا داشت. دنیا محدودتر از آن است که ظرف کمالات باشد، ولی ریشه و مسیر کمال اخروی همین دنیا است که ما منکم إلا واردها و این یعنی «ترک طلب الکمال المفقود فی الدنیا» یکی از تعاملات با دنیای سازمانی است، فتدبّر.

فتحصل که کارکنان باید کمال‌گرا باشند در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و تاب‌آوری در بحران‌ها، ولی بدانند که دنیا ظرفیت کمالات را ندارد و باید چشم‌انداز تحصیل کمال را در آخرت قرار داد، والله العالم.^۸

رقم ۴ من الباب. (همان) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام، قَالَ: قَالَ: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ: التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ». (همان ط دار الحدیث)، ج. ۱، ص. ۷۸)

^۸ درس ۱۵۸ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۲۳ شهر ذی الحجة ۱۴۴۷.